گزارش

میراث سیاست‌های بایدن در منطقه بزرگ‌ترین رقیب هریس در انتخابات

هانی رستگاران
تحلیلگر مسائل سیاسی و فعال رسانه

کامالا هریس، کاندیدای حزب دموکرات ایالات متحده آمریکا در انتخابات پنجم نوامبر سال جاری میلادی، در برنامه‌ای تلویزیونی تحت عنوان View که هفته گذشته برگزار شد، حضور یافت. وقتی از او پرسیده شد که ریاست‌جمهوری او از چــه منظری با جو بایدن، رئیس‌جمهور حال حاضر، تفاوت خواهد داشــت، پاســخ داد: «چیزی به ذهنم نمی‌رســد». این اظهارنظر از سوی کمپین انتخاباتی ترامپ مورد توجه قرار گرفت تا شرایط نامطلوب مدیریت جو بایدن در چهار سال گذشته را بیش‌ازپیش نمایان کنند و هریس را مقصر مسائل اصلی آمریکا معرفی کنند که عمدتــا حامیان دموکرات‌ها را ناراحت و پریشــان می‌کنــد. ازجمله این ســوءمدیریت در دوران ریاســت‌جمهوری او، نرخ بالای تورم اقتصادی و موضوع مهاجرت است که جو بایدن نتوانست در این دو حوزه میراث خوبی از خود بر جای بگذارد؛ اما این اظهارنظر علاوه بر واکنش هواداران ترامپ، برخی از اعضای پایگاه حامیان هریس، یعنی رأی‌دهندگان جوان، ترقی‌خواه و رنگین‌پوستان را که درباره حمایت‌های آمریکا از اســرائیل در جنایات علیه مردم مظلوم فلســطین و حمله گســترده به نوار غزه و جنوب لبنان معترض و ناراضی هستند، آزرده و ناامید کرده اســت. اگــر هریس نتوانــد راهکار مناســبی برای ایجــاد وجوه تمایــز در حوزه سیاســت‌گذاری کلان خارجی و تصمیمات اقتصادی با بایدن بیابد، ممکن اســت بخشی از سبد آرای نسل جوان و رنگین‌پوستان صلح‌طلب، مخالف سیاست‌های آمریکا در قبال حمایت همه‌جانبه و کورکورانه از اسرائیل و حامی توقف جنگ در خاورمیانه را از دســت بدهد. مطابق نظرســنجی‌ها رویکرد بایــدن در مواجهه با اسرائیل، از چندین منظر فاجعه‌بار بوده است. یکی از فجایع بزرگ، از دیدگاه اخلاق سیاسی است که بایدن با پشتیبانی و کمک به اقدامات جنایت‌کارانه اسرائیل در نوار غزه، موجب ایجاد قحطی، بیماری و مرگ ده‌ها هزار نفر در این منطقه شده است. این یکی از سیاســت‌هایی اســت که هریس به‌عنوان معاون اول رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در آن نقش‌آفرین بوده و باعث شده رأی‌دهندگان مسلمان و عرب آمریکایی در ایالت حســاس میشــیگان از او دور شــوند و مشــارکت در بین جوانانی که دموکرات‌ها همواره به آنها اتکا داشــته‌اند و سبد رأی‌شان در پیروزی انتخابات ۲۰۲۰ بایدن تأثیرگذار بود، کاهش یابد. رأی‌دهندگان حزب دموکرات بر این باورند که تصمیم بایدن و هریس در موضوع آتش‌افروزی اسرائیل در خاورمیانه از نظر اســتراتژیک کاملا شکست‌خورده اســت، چراکه با گسترش جنگ اسرائیل به لبنان، منطقه در آســتانه یک درگیری بزرگ بین نیروهای نیابتی آمریکا و ایران قرار دارد و جهــان نظاره‌گر این اســت که رهبران آمریکا قادر به اعمال فشــار یا تبیین پیامدهای ملموس بر یک کشــور کوچک مانند اسرائیل نیستند که تعداد زیادی از سلاح‌های سنگین آمریکایی را با وجود توصیه بایدن به استفاده‌نکردن از آنها، مورد استفاده گسترده قرار داده و توصیه‌های رئیس‌جمهور آمریکا را نادیده گرفته است. فرصتــی در اوایل آغــاز جنگ در منطقه وجود داشــت که اوضاع می‌توانســت به‌گونه‌ای دیگر پیش بــرود. حدود چهار ماه پس از آغاز جنگ علیه مردم بی‌گناه فلســطین ساکن در نوار غزه، کاخ سفید می‌توانست زمانی که بخش بزرگی از غزه تخریب شــده بــود و صدها هزار نفر از مردم به جنوب نقل مــکان کرده بودند، از ارســال بمب‌های دو هزار پوندی به اسرائیل برای حمله به رفح که بیشتر آوارگان به این شهر جنوبی پناه برده بودند، جلوگیری کند. حتی نانسی پلوسی، عضو کنگره آمریکا، در آن دوران خواســتار اعمال شــرایطی در موضوع کمک تســلیحاتی به اســرائیل بود که آمریکا را ملزم کند به کشــوری که مرتکب جنایت جنگی شــده، تسلیحات نظامی و لجستیکی نفروشد؛ اما همین اقدام که به‌نوعی ژست در ظاهر انسان‌دوستانه محسوب می‌شد، از سوی کاخ سفید انجام نشد و درنهایت، آمریکا در سال گذشــته میلادی، بیش از ۱۰ هزار بمب از انواع مختلف به اسرائیل ارسال کرده اســت که بسیاری از آنها روی غزه فرود آمده‌اند. حتی زمانی که دولت بایدن در ارســال تســلیحات نظامی به اســرائیل تأخیر داشــت، ده‌ها هــزار غیرنظامی فلسطینی با اســتفاده از آخرین تکنولوژی جنگی که پیش‌ازاین در اختیار اسرائیل قرار گفته بود، به شهادت رسیدند؛ اما گزارش‌ها حاکی از آن است که خشم ناشی از همین اقدام کوچک و تعویق در ارســال تجهیزات نظامی به اســرائیل در میان مقامات اسرائیلی و لابی حامی اسرائیل در آمریکا آن‌قدر شدید بود که دولت بایدن دچــار هراس و مجبور به پاســخ‌گویی شــد. از آن زمان تاکنون، هیچ پیش‌شــرط درخورتوجهی برای کمک‌های نظامی بی‌حساب‌وکتاب به اسرائیل از سوی آمریکا اعمال نشــده و رژیم صهیونیستی آشکارا به تهاجم خود در غزه ادامه داده است. در چند هفته گذشته حملات به لبنان موجب شد حدود یک میلیون نفر آواره شوند و همچنان این اقدامات در مســیر تحریک ایــران برای ورود به یک جنگ تمام‌عیار است که به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی به ریاست بنیامین نتانیاهو اعتقاد دارد آمریکا به نمایندگی از اســرائیل در آن مداخله خواهد داشت. درعین‌حال به طور روزمره رهبران کشــورهای هم‌پیمان ایالات متحــده در جهان واقعیت انکارناپذیر کاهش قدرت آمریکا را نظاره‌گر هســتند و می‌دانند آمریکا توان واردشدن به جنگ را ندارد. جنگ غزه نشان داد که ایالات متحده نه به وعده‌های خود عمل می‌کند و نه توان ایســتادگی و عملی‌کردن تهدیداتش درباره اسرائیل را دارد. با وجود تمام خسارت‌های جبران‌ناپذیر مدیریت دولت بایدن در جنگ غزه، این سیاست در داخل آمریکا محبوب نیست و خطرات انتخاباتی جدی برای کمپین هریس ایجاد می‌کند. اعتراضاتی که در بهار امســال در دانشگاه‌های آمریکا شکل گرفتند، فقط بهانه‌ای برای تخلیه احساسات اقلیت‌های مهاجر و غیرآمریکایی نبودند؛ بلکه نشان‌دهنده بسیج گسترده‌ای از جوانانی بود که از تصاویر منتشرشده از غزه به‌شدت برافروخته شده بودند و اعتراض خود را درباره سیاست‌های مخرب دولت بایدن با تمام وجود نشــان دادند. رأی‌دهندگان نســل جوان، دولت بایدن را همدســت در نسل‌کشی می‌دانند؛ بنابراین با استمرار این سیاست از سوی کامالا هریس و نبود موضع‌گیری مناســب در قبال آن در کمپین‌هــای انتخاباتی، عملا موجــی از نارضایتی درباره سیاست‌های دموکرات‌ها در ایالت‌های کلیدی آمریکا شکل گرفته است. هریس در اوایل آغاز کمپین انتخاباتی خود، به نظر می‌رسید این چالش بزرگ را درک خواهد کرد. او حاضر نشــد در سخنرانی نتانیاهو در کنگره شرکت کند و در یک کنفرانس خبری با نخست‌وزیر اسرائیل از عبارات منتقدانه سختی در قبال اعمال نتانیاهو در نوار غزه اســتفاده کرد. هریس همچنین در سخنرانی کنگره‌اش، درباره ظلم‌های وارده به فلسطینیان و حق تعیین سرنوشت آنان، نکات درخورتوجهی را بیان کرد؛ اما به طور کلی، تمام این اقدامات صرفا به گفتاری نمایشی محدود شدند و اکنون، هریس با نزدیکی به زمان انتخابات، حتی از بیان آنها نیز خودداری می‌کند. در ماه فوریه و زمانی که انتخابات مقدماتی دموکرات‌ها در ایالت میشیگان برگزار می‌شد، بیش از صد هزار رأی‌دهنده عرب آمریکایــی این ایالت در این انتخابات برگه‌های «متعهدنشده» را به‌عنوان بخشی از یک جنبش اعتراضی به منظور فشار بر بایدن برای تغییر موضع خود درباره غزه ثبت کردند. آرای متعهدنشده چند برابر بیشتر از حاشیه پیروزی بایدن در سال ۲۰۲۰ در این ایالت بود. این نارضایتی همچنان پایدار اســت و هنوز از بین نرفته. یک نظرســنجی سراســری اخیر از رأی‌دهندگان عرب آمریکایی نشان داد که ترامپ با بیش از چهار امتیاز از این گروه پیشی گرفته است؛ گروهی که در دور قبلی به طور وســیعی به دموکرات‌ها رأی داده بودند و یکی از عوامل شکست ترامپ در ایالت میشیگان بودند. این روند ممکن است به‌ویژه در میشیگان تأثیرگذار باشد؛ جایی که نظرسنجی جدید دانشگاه کوینی‌پیاک که هفته گذشته منتشر شد، نشان داد هریس سه امتیاز از ترامپ عقب است.

ادامه در صفحه ۵

با تأیید شورای نگهبان لایحه عفاف و حجاب نهایی شده اما همچنان با ابهام در میزان کارآمدی مواجه است

آزمون جدید دولت

وحیده کریمی: صبح دیروز سخنگوی شــورای نگهبان در نشست خبری با اهالی رسانه از تأیید لایحه عفاف و حجاب از ســوی شــورای نگهبان خبــر داد. طحان‌نظیف در حالی این خبــر را اعلام کرد که این لایحه متعلق به دولت قبل اســت و پیامدهای اجرای آن برای مســعود پزشکیان، رئیس‌جمهور جدید ایران، خواهد بود؛ آن‌هم در شــرایطی که بارها صراحتا گفته: «قطعا با زور نخواهیم توانســت حجاب را بر سر زنان بپوشانیم، مگر آنکه رفتار تربیتی خود را اصلاح کنیم»، اما ظاهرا خواست و اراده برخی جریان‌های سیاســی اجرای این لایحه و فشار مضاعف بر افکار عمومی است و ازاین‌رو پیش از اعلام رســمی شورای نگهبان؛ غضنفرآبادی، سخنگوی کمیسیون قضائی و احمد راستینه، سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، از تأیید این لایحه از طرف شورای نگهبان خبر داده بودند. موسی غضنفرآبادی همچنین درباره اینکه شورای نگهبان همان کلیاتی را که مجلس فرستاده، تأیید کرده است، اظهار کرد: بله همان است. لایحه‌ای که تاکنون چندین بار میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان رفت و برگشت داده شده و حالا با تأیید شورای نگهبان باید از طرف دولت ابلاغ شود، آن‌هم در شــرایطی که بســیاری درباره تبعات اجرای این لایحه بارها هشدار داده‌اند که با جرم‌انگاری افراطی و پیش‌بینی مجازات‌های ســنگین بیش‌ازپیش مســئله فرهنگی حجاب به موضوعی امنیتی تبدیل خواهد شد. به هر حال همچنان حرف‌وحدیث‌های زیادی حول این لایحه غیرکارشناسی که در مجلس و از طرف برخی نیروهای رادیکال مواد قانونی‌اش از ۱۵ ماده در متن اولیه مورد توافق دولت و قــوه قضائیه به ۷۰ ماده در مجلس تغییر کرده، وجــود دارد. برای مثال اعمال جریمه برای افراد و خودروهای شخصی یکی از آنهاست. در اولین تغییر مجلس، مقرر شده بود جریمه نقدی به صورت مستقیم از حساب افراد برداشت شود، اما با انتقادهای زیادی روبه‌رو شد و حتی مجمع تشخیص هم از آن ایراد گرفت. درنهایت این انتقادها موجب شد برداشت مستقیم از حساب بانکی افراد لغو شده و فرصت یک‌هفته‌ای برای پرداخت به آنها داده شود. البته متن نخستین که در قوه قضائیه ۹ ماده بود، وقتــی در دولت به ۱۵ ماده افزایش یافت، دارای نگاه ســخت‌گیرانه و مجازات‌محور بود. برای نمونه در متن اولیه که آن زمان منتشــر شد، «کشف حجاب سر از طرف بانوان»، «برهنگی بدن» و «پوشیدن لباس‌های نازک بدن‌نما»، «جرم» تلقی شده و «مرتکبان این جرم پس از شناسایی از طریق سامانه‌های هوشمند تا ســه بار مورد تذکر و جریمه‌های نقدی قرار گرفته و در صورت تکرار جرم برای بار چهارم به مرجع قضائی معرفی می‌شــوند». همچنین در این لایحه پیش‌بینی شــده بود چنانچه جرم کشف حجاب در خودرو انجام شود، پس از دو بار تذکر و جریمه مالی در مرتبه سوم، علاوه بر جریمه، وسیله نقلیه به مدت هفت روز به صورت الکترونیک توقیف شــود. این لایحه به موضوع کشــف حجاب از طرف کارمندان دستگاه‌های دولتی نیز پرداخته و تأکید داشت که جرم کشف حجاب از طرف کارمندان دستگاه‌های دولتی تا سه مرتبه «از طریق سازوکارهای نظارتی دستگاه مربوطه» مورد پیگیری و پیگرد قرار خواهد گرفت و متخلف در مرتبه چهارم به مراجع قضائی معرفی خواهد شد. درباره مراجعان به دستگاه‌های دولتی و عمومی نیز آمده است که چنانچه مرتکب جرم کشف حجاب شوند، از «دریافت خدمات اداری آن دســتگاه محروم خواهند شد». اما همین متن هم باب میل جریان رادیکال مجلس نبود و یکباره با افزایش مواد قانونی در کنار تعیین تکلیف برای همه ارگان‌ها و سازمان‌ها و جرم‌انگاری برای تعلل آنها در اجرا؛ موارد ســخت‌گیرانه و بسیار ســنگین دیگری به این لایحه افزوده شد و حتی برای لباس عروســک و اسباب‌بازی‌ها هم تعیین تکلیف شد. تندروها با یک تعریف مبهم از بدپوشی و بی‌حجابــی برای زنان و مــردان، در اولین برخورد مجازات زندان و جزای نقدی و اخراج از محل کار و نفی بلد و... را به مراتب تشخیص قاضی تعیین کردند. این لایحه به میزانی سخت‌گیرانه تنظیم شده که به نظر کارشناسان برای اجرای آن توان و نیروی مضاعفی از همه ارگان‌ها گرفته خواهد شد و بیش از آنکه به گسترش عفاف و حجاب بینجامد، به هزینه و چشم‌پوشی از وظایف اصلی ارگان‌های درگیر این لایحه منجر خواهد شد.

شرعی و قانونی‌بودن در شورای نگهبان بررسی می‌شود، نه کارآمدی قانون

درباره همین چالش کارآمدی و قابلیت اجرای لایحه، طحان‌نظیف در نشســت خبری دیروز خود در پاسخ به پرسشی درباره بررسی‌های انجام‌شده در شورای نگهبان درزمینه کارآمدی و اجرائی‌بودن قانون عفاف و حجاب عنوان کرد: «نسبت به هر مصوبه‌ای ممکن است نظرات مختلفی وجود داشته باشد، اما طبیعتا انتظار از مجلس شورای اسلامی این است که در بررسی مصوبات دیدگاه‌های مختلف را بشنود و مباحث اجرائی آن را نیز در نظر بگیرند. شورای نگهبان فقط از نظر مطابقت با قانون اساسی و موازین شرعی مصوبات را رسیدگی می‌کند. در این زمینه سعی کردیم رویکردهای مختلف را بشنویم؛ این مصوبه شــش مرتبه میان مجلس و شــورای نگهبان رفت و برگشت داشته است. حیطه ورود ما در جایی اســت که مغایرت شــرعی و قانون اساسی وجود داشته باشــد و ما وارد مباحث کارشناسی به این معنا نمی‌شــویم». در ادامه نشست خبری یکی از خبرنگاران درباره سازوکارهای اجرای قانون عفاف و حجاب پرسید که سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ عنوان کرد: «در این زمینه ابهامی وجود ندارد و مصوبه برای طی مراحل بعدی در اختیار مجلس شــورای اســلامی قرار دارد. درباره مقررات ابــلاغ قوانین، چه درباره رئیس مجلس و چه دربــاره رئیس‌جمهور در ماده یک قانون مدنی ترتیبات به‌صورت روشــن و دقیق دراین‌باره مشخص شده است و ابهامی در این زمینه وجود ندارد». البته این لایحه پرمناقشه هنوز در مجلس اعلام وصول نشده و علیرضا سلیمی، سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس شــورای اسلامی با تأیید دریافت‌نشدن لایحه عفاف و حجاب از طرف شورای نگهبان، گفته است: «در این مدت چند نفر از نمایندگان مجلس در این زمینه اطلاع‌رســانی کردند و دیگر نیازی به این موضوع نبود. این مصوبه برای طی مراحل قانونی خود در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار دارد».

او در پاســخ به پرسشــی مبنی بر اینکه آیا لایحه عفاف و حجاب قابلیت اصلاح دارد؟ گفت: «هر قانونــی امکان اصلاح دارد و دولت از طریق لایحه و مجلس از طریق طرح می‌تواند فرایند لازم را در مجلس طی کند». البته آقاتهرانی، پیش‌ازاین مدعی شــده که چهارپنجم مشکلات فرهنگی کشور با اجرای این لایحه رفع خواهد شــد که همین بحث نشان از ناتوانی جریان رادیکال در شناسایی مسائل فرهنگی داشــت و نقدهای بسیاری بر این ادعا وارد شد. حتی عصر ایران در گزارشی نوشت: «جسارتا شما یا نمی‌دانید فرهنگ چیست یا عدد نمی‌دانید و متوجه نیستید چهارپنجم یعنی چه؛ اگر قرار بود برخورد ســخت جواب بدهد، وضعیت حجاب، اکنون در شــرایط کنونی نبود که آقاتهرانی و امثال او، دست به دامن لایحه‌های عجیب‌وغریب شوند و راه آزموده را بار دیگر بیازمایند.

مَثل اینان مَثل کســی اســت که یک بار با پای پیاده به کوچه‌ای رفته و متوجه شــده که انتهایش بن‌بســت اســت، اما به جای اینکه مســیرش را عوض کند، دفعه بعد با دوچرخه رفته تا شاید فرجی حاصل شود و روز بعد سوار موتورسیکلت شده و به بن‌بست خورده و بار دیگر با خودرو به سمت ته کوچه رانده اســت!». به هر حال با توجه به نهایی‌شدن مراحل قانون‌گذاری در حوزه عفاف و حجاب باید دید تدبیر دولت و البته مجلس دوازدهم برای کنترل تبعات چنین مواد ســخت‌گیرانه‌ای چگونه خواهد بود و آیا با دولت همکاری مناســب در این زمینه خواهند داشــت یا خیر و آیا دولت به دنبال تصحیح این قانون آزمایشــی، لایحه اصلاحی ارسال خواهد کرد؟ آیا می‌تواند با راهکار مناسبی برای گســترش نگاه فرهنگی به حجاب و حفظ ارزش‌های دینی همراه با کاهش خشونت در تبلیغ حجاب مسیر رادیکال‌ها را که به گله‌مندی افکار عمومی ختم می‌شود، تغییر دهد؟!

نگاهی به تور دیپلماتیک عباس عراقچی در گفت‌وگو با جلال میرزایی

ضروری، اما نیازمند هدف‌گذاری

عبدالرحمــن فتح‌الهــی: حدود دو هفته اســت که از ســفرهای منطقــه‌ای عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اســلامی ایران می‌گذرد و هم‌زمان با آن شــاهد تحولات جدیدی در منطقه خاورمیانه هستیم که بر حساســیت اوضاع غرب آسیا می‌افزاید. در عین حال برخی با قریب‌الوقوع دانســتن پاسخ اســرائیل به عملیات موشــکی وعده صادق ۲، از تشدید تنش تهران و تل‌آویو می‌گویند. در چنین شرایطی انتقاداتی به کارآمدی و تأثیرگذاری تور دیپلماتیک سکاندار سیاســت خارجی ایران مطرح شده است که برای واکاوی بیشــتر این انتقادات به گفت‌وگویی با جلال میرزایی، نماینده مجلس دهم، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی و بین‌الملل نشسته‌ایم تا ارزیابی او را درباره این سفرهای منطقه‌ای جویا شویم.

●●●

نزدیک به دو هفته است که عباس عراقچی، وزیر امور خارجه به واسطه معادلات حســاس منطقه و سیاســت جنگ‌افروزانه نتانیاهو در فلســطین و لبنان، تور دیپلماتیک منطقه‌ای خود را از لبنان و سوریه آغاز کرد و بعد از آن به عربستان، قطر، اردن، عمان، مصر و ترکیه کشــیده شــد. با این حال برخی ناظران درخصوص کارآمدی و تأثیرگذاری این تور دیپلماتیک تشکیک کرده‌اند؛ ارزیابی شما در این مورد چیســت؟ آیا شــما هم قائل به منشأ اثر بودن سفرهای منطقه‌ای آقای عراقچی هستید؟

آیا منظورتان از ناظران، مصاحبه چند روز پیش «شرق» است؟ من مصاحبــه را خواندم که انتقاد جدی به ســفرهای منطقه‌ای آقای عراقچی داشــت. اما واقعیت مطلب این اســت که در علم دیپلماسی و سیاست خارجی، رسالت و مأموریتی که هر دیپلمات از وزیر امور خارجه تا سفیر و سایر فعالان این حوزه تعریف می‌کنند این اســت که «منافع ملی» و «امنیت ملی» کشور را محقق کنند. اساسا وظیفه دستگاه دیپلماسی کشور همین است. متأسفانه بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و به خصوص طی دو، ســه ماه اخیر که شــاهد حملات، ترورها و جنایات اســرائیل در لبنان و فلســطین هستیم، بــه هر حال معادلات جدیــد و حتی بی‌ســابقه‌ای در خاورمیانه شکل گرفته اســت که می‌تواند منافع ملی و امنیت ملی و حتی تمامیت ارضی را مورد تهدید قرار دهد. بنابراین بدیهی اســت که الان، اولویت روی معادلات خاورمیانه قرار بگیرد و به فوریت باید فکری برای حل‌وفصل یا حداقل تعدیل تنش‌های منطقه‌ای کرد که به تأمین منافع ملی و حفظ امنیت ملی کمک کند. بنابراین اگر می‌بینیــد که طی دو هفته اخیر آقای عراقچی یک تور دیپلماتیک منطقه‌ای به راه انداخته اســت، باید در این راســتا دید. البته من هم معتقدم زمانی این تور دیپلماتیک می‌تواند ارزشــمند و قابل دفاع باشد که دربردارنده اهداف و در نهایت دستاوردی ملموس و عینی باشد، وگرنه صرف انجام سفرهای منطقه‌ای در این شرایط کمکی بــه حل‌وفصل بحران منطقه‌ای نمی‌کنــد و در عین حال کمکی هم به حفظ منافع و امنیت ملی نمی‌کند. ضمن اینکه نباید همه چیز را تنها به آقــای عراقچی و حتی رئیس‌جمهور محدود کرد. به هر حال عرصه سیاســت خارجــی یک عرصه فراقوه‌ای و بالادستی است که باید همه نهادها و چهره‌های اصلی نظام روی آن اتفاق نظر داشــته باشند و در نهایت تصمیم نهایی توسط وزیر امور خارجه اجرائی می‌شود.

پس معتقدید مقوله «ساختار-کارگزار» اکنون دست عراقچی را بسته است؟

مســئله بستن دســت عراقچی نیست؛ مســئله اینجاست که تحولات منطقه ایجاب می‌کند که سیاســت خارجی نهایی توسط نهادهای بالادســتی تبیین شــود و بعد هم این ریل را برای وزارت امور خارجه تعریف کنند که به جای مذاکره با اروپا و آمریکا، فعلا اولویــت را روی تحــولات منطقه قرار دهد. در صورتی که شــاید عراقچی در نظر داشــته باشــد اولویت را روی اروپا و آمریکا قرار دهد.

به بیان شما امکان دارد که خود عراقچی هم مخالف این نوع دیپلماسی منطقه‌ای باشد؟

شــاید؛ من در این خصوص نمی‌توانم نظر بدهم. اما آن چیزی که توسط نهادهای بالادستی به او ابلاغ می‌شود نهایتا دستور کار او خواهد بود.

از فحوای کلامتان به نظر می‌رسد که شما هم می‌توانید به‌نحوی منتقد سفرهای دیپلماتیک منطقه‌ای عراقچی باشید؟

منتقد و مخالف به معنای اینکه مانند مصاحبه «شرق»، حمله سفت و سختی به این سفرهای منطقه‌ای بکنم، ندارم و اتفاقا باور دارم که در این شــرایط باید این سفرها انجام شود. اما من از جنبه دیگری با این سفرهای منطقه‌ای آقای عراقچی مشکل دارم. تأکید می‌کنم که مشکل دارم.

از چه منظری؟

از ایــن منظر که واقعا به نظر من هیچ برنامه کاری برای آقای عراقچی در این ســفرهای منطقه‌ای تعریف نشــده اســت. هیچ کدام از مراکز تصمیم‌گیری، تحلیلگران و صاحب‌نظران برای وزیر هدف‌گذاری درست و دقیقی را طرح نکرده‌اند.

کلی‌گویی در تحلیلتان وجود دارد؛ منظور مشخصتان از برنامه کاری چیست؟

منظورم این است که برای سفرهای عراقچی این تعریف نشده که اکنون ما در چه حوزه‌هایی با کدام‌یک از کشورهای خاورمیانه بحــران داریم و این بحران‌ها دســته‌بندی و موضوع‌بندی نشــده است. متأســفانه در سفرهای آقای عراقچی به کشورهای منطقه صرفا برخی کلی‌گویی‌ها و شــعارزدگی در قبال مسئله فلسطین و لبنان و سیاست‌های جنگ‌افروزانه اسرائیل دیده می‌شود، بدون آنکه واقعا برنامه‌ریزی روی ســفر بــه آن مقصدها صورت گرفته باشــد. بعد از آن هم واقعا ارزیابی روشــنی برای رسانه‌ها و افکار عمومی انجام نمی‌شــود که دســتاورد آقای عراقچی از سفر به عربســتان، مصر، ســوریه، لبنان، اردن، ترکیه و... چه بوده اســت؛ مثــلا می‌توانند بگویند که چگونه در ســفر به ترکیه توانســتیم با کمــک آنکارا و دیگر اعضای روند ۳+۳ به حل اختلافات در قفقاز کمک کنیم و این جزئیات دســتاوردهای سفر به ترکیه را رسانه‌ای کنند. یا با کمک قاهره یا ریاض توانســتیم به حل‌وفصل مشکلات لبنان و فلسطین کمک کنیم و این جزئیات سفرهاست؛ بله قطعا موضوعات محرمانه نمی‌تواند منتشــر شــود، امــا می‌توان یک روشــنگری حداقلی برای رســانه‌ها، افکار عمومی و تحلیلگران داشت. اکنون دو هفته است که آقای عراقچی یک تور دیپلماتیک را در دســتور کار قرار داده، ولی هیچ موضوع روشــنی برای افکار عمومی ارائه نشده است. صرفا اخبار و گزارش‌های دیدارها منتشر می‌شود.

یعنی شما با اصل سفرهای منطقه‌ای مشکل ندارید؟

خیر. چون گفتم بنا به اقتضائات فعلی منطقه باید این سفرها صورت بگیرد، اما مسئله و مشکل من این است که به نظر می‌رسد این ســفرهای آقای عراقچی با نوعی ســردرگمی همراه است و صرفا برای رفع تکلیف و روزمرگی، این ســفرها انجام می‌شــود و همان موضع‌های تکــراری در دیدار با تمام مقامات کشــورهای منطقه‌ای دیده می‌شود. گویی عراقچی یک جمله واحد را در همه کشورها تکرار می‌کند. این سیاست خارجی و دیپلماسی نیست.

و راهکار شما چیست؟

باید متناســب با هر کشــور، حوزه بحران مشترک تعریف شود و به دنبال آن، برای هر کشــور یک منافع مشــترک تعریف کنیم. اگــر واقعا آقای عراقچی در پی آن اســت کــه تحولات منطقه و جنگ‌افروزی‌هــای نتانیاهو را کنترل کند، باید ایشــان و نهادهای بالادســتی یک برنامه‌ریزی دقیق و هدف‌گذاری مشخص را برای سفر به هر کشور تعریف کنند. آقای عراقچی اکنون مانند مدیری شــده اســت که به جای پیگیری راهبرد تعریف‌شــده خود با یک روزمرگی، امروز را به فردا و فردا را به روز بعد وصل می‌کند، بدون آنکه برنامه‌ای برای میان‌مدت و بلندمدت داشــته باشد و این‌طور چهار سال دولت پزشکیان هم تمام می‌شود. البته تحولات منطقه هم باعث شده است آن چیزی که مد نظر او (عراقچی) بود، فعلا از دستور کار خارج شود.

به مصاحبه پیشین «شرق» اشاره داشتید. برخی معتقد بودند که در این شــرایط نباید چنین انتقاداتی بــا چنین ادبیاتی مطرح شود، چون نوعی خودزنی است. شما هم چنین برداشتی دارید؟

نه. اما من نظر متفاوتی دارم.

چه نظری؟

طبق همان مســئله و مقولــه «ســاختار-کارگزار» باید اذعان داشت که وزیر امور خارجه فعال مایشا نیست و از طرف دیگر من انتقادی که به سفرهای آقای عراقچی دارم این است که هیچ‌گونه برنامه‌ریزی برای تعریف منافع مشــترک طی ســال‌های گذشــته صورت نگرفته است. اگر آقای عراقچی می‌خواهد به کمک مصر، اردن، ترکیه و عربستان یا هر کشور دیگری به حل‌وفصل مشکلات منطقه نائل آید، باید منافع مشترکی را برای هر کدام از این کشورها متناسب با اقتضائات همان کشور تعریف کرد. قبل‌تر عنوان کردم تا زمانی که این منافع مشترک نباشد، هیچ‌کدام از کشورهای منطقه، نه توان و نه تمایلــی برای همکاری با تهران در هیچ زمینــه‌ای از آتش‌بــس در لبنان و فلســطین تا مهار اسرائیل نخواهند داشت. باید این منافع مشترک طی سال‌های گذشته تعریف می‌شد.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

دردسرهای متفاوت خانم سخنگو

اعظم ویسمه

در هفته‌ای که گذشت، انتقادات زیادی به «خانم سخنگو» شد. این انتقادات از هر دو جبهه اصلاح‌طلــب و اصولگرا مطرح شد. تندروها را به شمار نمی‌آورم، به دلیل آنکه آنها از همان ابتدای تشــکیل دولت حملات خود را نه‌تنها به خانم مهاجرانی، بلکه به سمت کل دولت روانه کرده‌اند.

فاطمه مهاجرانی، اولین زنی اســت که در جایگاه سخنگویی دولت قرار گرفته است و این یکی از وعده‌های پزشکیان بود که زنان در چینش کابینه و دولت ســهمی داشــته باشند. برای خانم سخنگو همین یک نکته کافی است تا او را بیش از دیگران در تیررس انتقادات قرار دهد؛ چه از ســوی مخالفان به‌کارگیری زنان در مسئولیت‌ها و سمت‌های بالا که تلاش خود را به کار خواهند گرفت تا یک زن را برای سخنگویی دولت نامناسب و ناتوان جلوه دهند و در این راه از به‌کارگرفتن توهین‌های جنسیتی نیز خودداری نخواهند کرد و چه از ســوی منتقدان دولت، به دلیل آنکه جایگاه سخنگویی در تعامل مستقیم با رسانه‌هاست و در مقام پاسخ‌گویی است؛ همین بیــرون از پرده بودنش آن را بیشــتر سپر تیر منتقدان می‌کند. اما انتقادات هفته گذشته از جنس دیگری هم بود. به‌ویژه در شــبکه‌های مجازی و در مواجهه با پاسخ خانم ســخنگو دربــاره یکی از شــعارهای انتخاباتی رئیس‌جمهور که شــاید از ابتدای تشکیل این دولت بتوان گفت این سؤال پای ثابت همه نشست‌ها از خود رئیس‌جمهور تا دیگــر اعضای دولت بوده اســت. بحث فیلترینــگ و لایحــه حجاب که مســعود پزشــکیان در شــعارهای انتخاباتی نه‌تنها مخالفــت صریح خود را بــا آن اعلام کرد، بلکه وعــده داد در صورت پیــروزی آن را رفع کند. بدون‌شــک بخش مهمی از سبد رأی‌دهندگان پزشــکیان جوانان و از نسلی بودند کــه رفع فیلترینگ و موضوع حجاب برای آنها از اهمیت زیادی برخوردار بود. این اهمیت آن‌قدر بود که آنها را در اوج ناامیدی یک بار دیگر به پای صندوق رأی بکشاند. این شعارها همان‌قدر که برای پزشکیان رأی‌آور بــود، پاشنه‌آشــیل دولت او نیز محســوب می‌شــود. ســه ماه از روی‌کارآمدن دولت چهاردهم گذشته است. سه ماه زمان زیادی برای تحقق وعده‌های یک دولت نیســت؛ کمااینکه هنوز در بســیاری از ســمت‌ها در وزارتخانه‌ها و اداره‌هــا مدیران دولت قبل با دیدگاه مربوط به آن دولت بر مســند امور هستند. نه‌تنها از آنها انتظار نمی‌رود گامی در راستای تحقق این شعارها بردارند، بلکه اگر سنگ‌اندازی نگوییم، قطعا مقاومتی در مسیر تحقق خواهند داشت. دراین‌میان در هفته گذشته در نشست خانم سخنگو از او درباره موضوع حجاب و فیلترینگ ســؤال شــد که او در هر دو سؤال بر مواضع رئیس دولــت در مخالفت با فیلترینگ و مخالفت با به‌کارگیــری زور در موضوعات فرهنگی تأکید کرد؛ دو مســئله مهمــی که هرگونه تغییــر در آن همراهی کلیت نظام و نه‌تنها دولت را می‌طلبد. اما خانم ســخنگو همه را برای تحقق این شعارها دعوت به «صبر» کرد. درســت این واژه بود که فریاد اعتراض و انتقادات را در شــبکه‌های اجتماعی بلند کــرد و روزنامه‌ای را به دلیل کشــیدن صبر ایوب، با شــکایت دادســتانی مواجه کرد. انتظــار صبــوری از اکثریــت جامعه‌ای که اتفاقــا در تمام این ســال‌ها فقــط «صبر» کرده‌انــد و با «صبر» لبریزشــده در ناامیدی به امیــد روزنه‌گشــایی هرچند کوچک یک بار دیگــر به پــای صنــدوق رأی آمده‌اند، نتیجه‌ای جز دلسردی و ریزش بدنه همراه ندارد. گرچه مســعود پزشکیان هنوز قانون حجــاب مصوبــه مجلس را ابــلاغ نکرده است و همچنان مقاومت می‌کند، اما انتظار جامعه فراتر از این مقاومت‌ها و دیدن اقدام عملی در تحقق شعارهای انتخاباتی است. اینجا دیگر انتخاب واژه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار اســت. افکار عمومی نشان داده به‌شدت حساس اســت و به‌سرعت آماده نشــان‌دادن واکنش منفی است. ماه‌عسل دولت چهاردهم رو به اتمام است. مسعود پزشــکیان دولت خود را در شــرایطی آغاز کرد که بحران‌های پی‌درپی کشور را تهدید می‌کند. اکنــون بیش از هر زمــان دیگری به وحدت و وفاق داخلی نیاز اســت اما به شرطی که سهم بزرگی از جامعه، صبوری در همه مسائل نباشد.